



## خالق

خالق (الخالق)، از اسماء حسنی می‌باشد.

### فهرست مندرجات

- ۱ - واژه شناسی
- ۲ - بحث خالق در آیات
- ۳ - بحث خالق در روایات
- ۴ - فضیلت خواندن خداوند به اسم خالق
- ۵ - معنای خالق از نظر لغویان شهیر عرب
  - ۵.۱ - راغب اصفهانی
  - ۵.۲ - ابن سیده
  - ۵.۳ - زجاج
  - ۵.۴ - غزالی
  - ۵.۵ - فخر رازی
- ۶ - قول فخر رازی ردی بر قول فلاسفه
- ۷ - معنای باری
- ۸ - جواز یا عدم جواز کاربرد خالق برای غیر خدا
- ۹ - آداب کسی که خدا را خالق می‌داند
- ۱۰ - فهرست منابع
- ۱۱ - پانویس
- ۱۲ - منبع

### واژه شناسی

در آیات متعدد قرآن آفرینش به خدا نسبت داده شده است. برای بیان این معنا و ذکر نمونه‌های آن، در بیش‌تر عبارات قرآن صورت فعلی ریشه خ ل ق و عمدتاً فعل‌های خَلَقَ، يَخْلُقُ، خَلَقْتُ و خَلَقْنَا به‌کار رفته و در آیات اندکی [۱][۲] نیز از اسم فاعل آن (خالق) و تعابیری چون «خالقُ كُلِّ شَيْءٍ» استفاده شده است. الخالق (به صورت مفرد و همراه با الف و لام) فقط در یک جا، در آیه «هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى.» [۳] ظاهر شده است.

### بحث خالق در آیات

آیات پایانی سوره حشر شاید شاخص‌ترین بخش قرآن در بیان اسماء و صفات خدا می‌باشد. قرار گرفتن الخالق در میان این آیات، به‌ویژه در آیه‌ای که تعبیر «لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» در آن به‌کار رفته، بر این‌که این وصف در شمار نام‌های نیک خداست دلالتی واضح دارد. علاوه بر این در دو جای قرآن، [۴][۵] خدا «أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» خوانده شده و در دو جا [۶][۷] نیز با اسم مبالغه الخلاق معرفی شده است.

### بحث خالق در روایات

الخالق در متون حدیثی شیعه در جاهای مختلفی، صریحاً یا تلویحاً، یکی از نام‌های خدا معرفی شده است، از جمله در حدیثی از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تصریح شده که نام‌های خدا ۹۹ تا است و تمامی آنها یک به یک ذکر گردیده‌اند. [۸][۹] نیز در حدیثی از امام صادق که براساس آن نام‌های خدا ۳۶۰ تا است و به برخی از آنها اشاره شده است. [۱۰][۱۱] همچنین، در حدیثی دیگر از پیامبر که بنابر آن، خدا در شب معراج، خطاب به پیامبر، خود را با ذکر اوصاف و نام‌هایی معرفی کرده است. [۱۲] در موارد متعددی، الخالق در کنار دیگر نام‌های خدا، در احادیث مربوط به تعلیم دعا و ذکر یا نحوه زیارت قبور معصومان مشاهده می‌شود.

### فضیلت خواندن خداوند به اسم خالق

بنابر حدیثی، امام صادق پس از ذکر اوصافی که خدا با آنها شش نوبت در شبانه‌روز خود را می‌ستاید، تلویحاً به راوی تعلیم می‌دهد که خواندن خدا با این اوصاف راهی برای برآورده شدن حاجت است. [۱۳] در کتاب‌های مختص ادعیه و زیارات، روایاتی از این دست را می‌توان یافت. [۱۴][۱۵][۱۶][۱۷]

## معنای خالق از نظر لغویان شهیر عرب

لغویان شهیر عرب عموماً دو معنای اصلی «ایجاد چیزی که پیشتر سابقه نداشته است» و «تقدیر» را برای خلق ذکر کرده‌اند و صفت الخالق را درباره خدا، به معنای پدیدآورنده چیزی بدون سابقه و الگوی قبلی دانسته‌اند. به نوشته اهری، [۲۴] خلق در کلام عرب پدیدآوردن چیزی براساس الگویی است که پیشتر وجود نداشته است. با این حال، وی بلافاصله قول ابوبکر ابن انباری (متوفی ۲۳۷) را نقل کرده که، در کنار این، تقدیر را معنای دوم خلق دانسته است.

### ← راغب اصفهانی

راغب اصفهانی (ذیل خلق) اصل معنای خلق را تقدیر مستقیم شمرده و کاربرد قرآنی آن را بر دو قسم دانسته است: نخست ابداع یا پدیدآوردن چیزی بدون وجود هرگونه اصل و الگو نظیر آیه «خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ»، [۲۵] و دوم ایجاد چیزی از چیز دیگر مانند آیه «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ تُطَائِفِهِ». [۲۶] وی خلق به معنای نخست (ابداع) را مخصوص خدا برشمرده و آیه «أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» [۲۷] را شاهدی قرآنی بر تمایز میان خلق خدا و غیرخدا دانسته است.

### ← ابن سیده

ابن سیده (ذیل «خلق») عبارت «خَلَقَ اللَّهُ الشَّيْءَ» را به این معنا دانسته است که خدا آن چیز را بعد از آنکه وجود نداشت ایجاد کرد. در منابع لغوی بعدی، بیش و کم، همین اقوال یا مضامین نزدیک به آنها تکرار شده است. [۲۸][۲۹][۳۰] شارحان اسماء حسنی که آثار مستقلی در این باره تألیف کرده‌اند، عموماً نام الخالق را در کنار دو نام دیگر، الباری و المصور، ذکر کرده و توضیح داده‌اند. به نظر می‌رسد، صرف‌نظر از این که این سه نام در آیه مشهور سوره حشر [۳۱] در پی یکدیگر آمده‌اند، فهم معنای دقیق الخالق بدون تعمق در معنای دو نام دیگر، به ویژه الباری، میسر و مطلوب نخواهد بود.

### ← زجاج

زجاج (متوفی ۳۱۱)، لغوی و نحوی مشهور متقدم، [۳۲] با استشهاد به بیتی از شعر ژهیر بن ابی سلمی (متوفی ۱۲ قبل از هجرت و از شاعران بزرگ عصر جاهلی) و عبارتی از خطبه حجاج بن یوسف (متوفی ۹۵) و نیز آیه‌ای از قرآن [۳۳] نوشته است که معنای خلق در کلام عرب تقدیر (اندازه‌گیری) است و زمانیکه درباره خدا به کار می‌رود، ناظر به آغاز کار آفرینش است. اما بَرء \_ که نام باری مأخوذ از آن است \_ به معنای خلق براساس صفتی خاص است و از اینرو، هر میروئی مخلوق است اما هر مخلوقی میروء نیست. از میان مؤلفان کتاب‌های اسماء حسنی، غزالی و به ویژه فخررازی بحث‌های مربوط به این سه نام را دقیق‌تر و جامع‌تر از دیگران طرح کرده‌اند.

### ← غزالی

غزالی [۳۴] قول به ترادف این نام‌ها را به تصور این که برگشت جملگی‌شان به خلق و اختراع است یکسره رد کرده و معنای آنها را به ترتیب تقدیرکننده، ایجادکننده، و ترتیب‌دهنده صورت‌های مخلوقات به بهترین وجه دانسته است؛ خدا از آن جهت که اجزای تشکیل‌دهنده شیء را تقدیر می‌کند خالق است؛ به اعتبار این که صرفاً شیء را از عدم به وجود می‌آورد باری است و از آن حیث که شیء را مطابق با اندازه مقدر ایجاد می‌کند مصور است. از توضیحات وی چنین برمی‌آید که تفاوت اساسی کارهای بشری نظیر ساختن ساختمان با کار خدایی مانند خلقت انسان، به‌رغم این که در هر دو تقدیر و تصویر هست، در ایجاد اجزای تشکیل‌دهنده و آوردن آنها از عدم به وجود (برء) است، که این کار مختص خداست.

### ← فخر رازی

فخررازی [۳۵] همانند برخی از لغویان، کاربرد خلق را برای خدا ناظر به دو معنای تقدیر و ایجاد دانسته و شواهدی نقلی و دلایلی عقلی در اثبات هر یک از این دو معنا ذکر کرده است، مثلاً در اثبات معنای اول، با استناد به آیه «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» [۳۶] گفته، معلوم است که در اینجا مراد از «كُنْ فَيَكُونُ» ابداع و ایجاد است و چون عبارت «خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ» بر آن مقدم شده است، معنای خلق در این آیه نمی‌تواند چیزی جز تقدیر باشد.

وی پس از اثبات معنای نخست یادآور می‌شود که تقدیر عبارت است از پدیدآوردن چیزی براساس اندازه‌های معین، و انجام‌دادن آن مشروط به داشتن سه امر دیگر است: قدرت لازم برای ایجاد آن چیز، اراده اختصاص یافته به آن چیز با همان اندازه معین، و علم به آن اندازه خاص. فخررازی در تأیید معنای دوم (ایجاد و ابداع) نیز به آیات دیگری از قرآن از جمله «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» [۳۷] و «وَوَخَّلِقُ كُلَّ شَيْءٍ فَعَدْرُهُ تَقْدِيرًا» [۳۸] استناد کرده و گفته است چنانچه خلق در این دو آیه به معنای تقدیر باشد، لازمه آن تکرار بی‌فایده خواهد بود. علت تفصیل و تطویل بحث فخررازی در معنای لغوی خلق و تأیید و تقویت هر دو معنای آن، در بحث‌های بعدی او درباره الخالق روشن می‌شود. وی [۳۹] بلافاصله این ادعای متکلم معتزلی، ابوعبدالله بصری، ملقب به خَل را طرح کرده که چون (لازمه) معنای لغوی خلق (یعنی تقدیر)، اندیشه و تأمل است، اطلاق نام الخالق بر خدا حقیقی نیست.

سپس با استناد به مطالب پیشگفته‌اش در بحث لغوی و به ویژه تأکید بر هر دو معنای خلق، به تضعیف و رد دیدگاه مخالف پرداخته است. فخررازی، سپس بحث از معنای الخالق در آیه «هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ» را با توجه به دو نام دیگر متعاقب آن پیش کشیده است. در اینجا نیز وی به هر دو وجه معنایی خلق توجه کرده و براساس هر کدام معنایی متفاوت و البته متناسب با دو نام دیگر برای الخالق ذکر کرده است. به نوشته فخررازی، [۴۰] در این آیه چنانچه خالق به معنای تقدیرکننده فرض شود، کنار هم قرار گرفتن این سه نام خدا در نهایت حسن و فایده خواهد بود.

## قول فخر رازی ردی بر قول فلاسفه

به نظر وی، تفسیر دقیق هر یک از سه نام خالق و باری و مصور به ترتیب ردی است بر یکی از دیدگاه‌های نادرست فلاسفه قدیم که یا می‌پنداشتند خدا علمی به حقیقت اشیا ندارد، یا معتقد بودند که خدا موجودات را با تصرف در ماده اولیه (هیولی) ایجاد می‌کند، یا این که طبیعت را صورت‌دهنده حیوانات و نباتات می‌دانستند.

بدین ترتیب، فخررازی به این نتیجه رسیده است که خالق بر کمال علم خدا و علم او به حقیقت و مصلحت اشیا دلالت می‌کند، باری دال بر آن است که خدا ذات را از عدم محض، نه از ماده، پدید می‌آورد، و مصور بر این دلالت دارد که خدا صورت‌دهنده چیزها و واضع کیفیات و طبیعت آنهاست؛ مثلاً در آفرینش انسان، خدا با علم خود اندازه مناسب و مطابق با مصلحت را تقدیر می‌کند (خالق)، ماده تشکیل‌دهنده بدن انسان را ایجاد می‌کند و از عدم به وجود می‌آورد (بارئ)، و طبیعت و قوا و ترکیبات لازم برای بدن انسان را پدید می‌آورد (مصور).

آفرینش تمامی موجودات، اعم از افلاک و ستارگان و حیوانات و نباتات نیز به همین ترتیب انجام می‌گیرد.

چنانچه در این آیه خالق به معنای موجد و مُبدع در نظر گرفته شود، بیان معنای باری دشوار خواهد بود و از این رو، وجوهی را در معنای آن ذکر کرده‌اند، از جمله این‌که باری را نیز باید به معنای موجد و مبدع دانست و به عبارتی دو واژه خالق و باری مترادفانند، یا گفته‌اند یکی از معانی ب رء قطع و فصل است و مراد از باری بودن خدا، آن است که او جداکننده اشخاص ذوات و اعیان از یکدیگر است.

بر اساس این قول، خدای خالق پدیدآورنده ذوات و اعیان، خدای باری متمایزکننده اشخاص آنها از هم، و خدای مصور صورت دهنده هریک از این اشخاص بر اساس صورت خاص آنهاست، یا این‌که باری پیش‌تر به موجودات زنده اختصاص دارد و خالق به دیگر مخلوقات مثل **آسمان و زمین**.  
گفتنی است فرخ‌رازی در تفسیرش نیز به تفصیل به بحث‌های کلامی درباره خلق و خدای خالق پرداخته است.

در دیگر منابع نیز از ارتباط معنای الخالق و الباری، به ویژه ترادف آنها، سخن رفته است.  
داعی و متفکر اسماعیلی، **ابوحاتم رازی** (متوفی ۳۲۲) [۴۱] که به نظر می‌رسد صرفاً در پی گردآوری اقوال مختلف در این باره بوده است - ابتدا از قول **اهل لغت**، این دو نام را مترادف یکدیگر شمرده، اما در ادامه، به نقل از بعضی عالمان پیشین، خلق را به معنای تقدیر و بره را به معنای راست و درست کردن (تسویه و تعدیل) دانسته است.

عالم امامی، **تقی الدین کفعمی** (متوفی ۹۰۵)، [۴۲] به پیروی از **شهید اول** (متوفی ۷۸۶)، خالق را به معنای مقدر دانسته و در بیان معنای باری، که ظاهراً به نظر او مترادف با خالق است، به ذکر واژه خالق اکتفا نموده است.  
عده‌ای از شارحان **اسماء الله**، الخالق را در کنار نام دیگر خدا، الخلاق، ذکر کرده و گاهی معانی متفاوتی از آنها به دست داده‌اند.

به گفته ابوحاتم رازی، [۴۳] الخالق کسی است که خلق را نخستین بار آغاز کرد اما الخلاق **وصف** کسی است که خلق **شأن** و عادت اوست و همواره و هر روز تا پایان دهر خلق می‌کند.

به نوشته **ابوعبدالله حلیمی** (متوفی ۴۰۲) [۴۴] الخالق کسی است که مبدعات را به اصناف گوناگونی تقسیم می‌کند و برای هر صنفی اندازه‌ای قرار می‌دهد و الخلاق خالق است که کار خلق را پی‌درپی انجام می‌دهد. [۴۵]

**ابوعبدالله قرطبی** (متوفی ۶۷۱)، [۴۶] به نقل از یکی از عالمان پیش از خود، الخالق را تقدیرکننده ازلی دانسته و الخلاق را ناظر به تقدیر ازلی کلی‌ای شمرده است که موجب تفصیل جزئی میان اعیان خلق شده از عدم می‌شود.

## جواز یا عدم جواز کاربرد خالق غیر خدا

یکی از موضوعات طرح شده درباره الخالق و الخلاق مسئله **جواز** یا عدم جواز کاربرد این دو نام برای غیرخداست.

ازهری [۴۷] تصریح کرده که کاربرد الخالق و الخلاق (همراه با الف و لام) برای غیرخدا جایز نیست.  
قرطبی [۴۸] پس از بیان **اختلاف** پیشینیان در وضع این دو نام برای مخلوقات، نوشته که خود با کاربرد خالق و خلاق برای مخلوق مخالف است اما چنانچه این دو نام به معنای تقدیر به کار رود، همگان بر جواز آن اتفاق نظر دارند.

وی همچنین به نقل از پیشینیان چنین نوشته است که **شروع** با تسمیه غیرخدا به الخالق به این سبب مخالف است که فقط خدا **مخترع** اعیان و مقدر اشیا است و بنابراین، انصاف **بنده** به اختراع باطل، اما وصف او به تقدیر جایز است.

در باره‌ای نوشته‌های صوفیانه درباره شرح اسماء‌الله از جمله خالق، چنانکه انتظار می‌رود، عمدتاً سخن از آداب و وظایف سالک در برابر این نام‌هاست.

## آداب کسی که خدا را خالق می‌داند

به نوشته **ابوالقاسم قشیری** (متوفی ۴۶۵)، [۴۹] از جمله آداب کسی که خدا را خالق می‌داند آن است که در اتقان آفرینش نظر کند تا دلایل **حکمت** خدا در خلقت به قلبش راه یابد و بداند که خدا او را از نطفه‌ای آفریده و اعضا و اجزای او را با بهترین ترکیب و ترتیب صورت داده است؛ همچنین از آداب کسی که خدا را در خلق و ایجاد یگانه می‌داند آن است که کار و حاصل تلاش بندگان را بزرگ نشمارد.

**شهاب الدین سمعانی** (متوفی ۵۳۴) [۵۰] که خالق را در زبان فارسی به «پیدآورنده از عدم» و «هست‌کننده از نیست» برگردانده، نوشته است زمانی که بنده **مؤمن** دانست خدا خالق و او مخلوق است، از جملگی مخلوقات دل برکند، فقط به خدا **توکل** کند، و نیز تسلیم محض فرمان او باشد زیرا مخلوق را بر خالق اعتراضی نیست.

علاوه بر این، در برخی منابع مطالبی درباره بهره بنده از نام الخالق آمده است.

**غزالی** [۵۱] سهیم شدن بنده در دو نام الخالق و الباری را با نوعی بعید از مجاز ممکن دانسته، به این معنا که بازگشت خلق و ایجاد، به استفاده از قدرت براساس علم است و چون خدا این دو **صفت** را برای هر بنده‌ای قرار داده است، او می‌تواند مطابق با میزان علم و قدرت خودش به تحصیل مقدراتش بپردازد. فرخ‌رازی [۵۲] نوشته است خاستگاه نام الخالق علم است و بهره بنده از این نام عبارت است از به کمال رساندن قوه نظری خود برای شناخت حقایق. [۵۳]

## فهرست منابع

- (۱) قرآن.
- (۲) ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث و الاثر، چاپ محمود مجد طناحی و طاهر احمد زاوی، بیروت ۱۳۸۳/۱۹۶۳، چاپ افست قم ۱۳۶۴ ش.
- (۳) ابن بابویه، التوحید، چاپ هاشم حسینی طهرانی، قم (۱۳۵۷ ش).
- (۴) ابن سیده، المحکم و المحيط الاعظم، چاپ عبدالحمید هندادی، بیروت ۱۴۲۱/۲۰۰۰.
- (۵) ابن طاووس، اقبال الاعمال، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۴-۱۴۱۶.
- (۶) ابن ماجه، سنن ابن ماجه، چاپ مه‌دوفاد عبدالباقی، (قاهره ۱۳۷۲/۱۹۵۴)، چاپ افست (بیروت، بی‌تا).
- (۷) ابن منظور.
- (۸) ابوحاتم رازی، کتاب الزینة فی الکلمات الاسلامیة العربیة، چاپ حسین بن فیض الله همدانی، قاهره ۱۹۵۷/۱۹۵۸.
- (۹) ابونعیم اصفهانی، جزء فیہ طرق حدیث «ان لله تسعة و تسعين اسما»، چاپ مشهور بن حسن بن سلمان، مدینه (۱۴۱۳).
- (۱۰) مجد بن احمد ازهری، تهذیب‌اللغة، ج ۷، چاپ عبدالسلام سرحان، قاهره (۱۳۸۶/۱۹۶۷).
- (۱۱) احمد بن حسین بیهقی، کتاب الاسماء و الصفات، چاپ عمادالدین احمد حیدر، بیروت ۱۴۲۲/۲۰۰۲.
- (۱۲) مجد بن عیسی ترمذی، سنن الترمذی، ج ۵، چاپ عبدالرحمان مجد عثمان، بیروت ۱۴۰۳.
- (۱۳) حسین بن حسن حلیمی، کتاب المنهاج فی شعب الایمان، چاپ حلمی مجد فوده، (بیروت) ۱۳۹۹/۱۹۷۹.
- (۱۴) حسین بن مجد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، چاپ صفوان عدنان داوودی، دمشق ۱۴۱۲/۱۹۹۲.
- (۱۵) مجد بن مجد زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ علی شیری، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۴.
- (۱۶) ابراهیم بن سری زجاج، تفسیر اسماء‌الله الحسنی، چاپ احمد یوسف دقاق، (قاهره) ۱۳۹۵/۱۹۷۵.
- (۱۷) محمود سامی، المختصر فی معانی اسماء‌الله الحسنی، (قاهره ۱۳۶۶).
- (۱۸) احمد بن منصور سمعانی، روح الارواح فی شرح اسماء‌الملک الفتح، چاپ نجیب مایل هروی، تهران ۱۳۶۸ ش.
- (۱۹) مجد بن حسن صفارقمی، بصائرالدرجات فی فضائل الم‌محمد «ص»، چاپ محسن کوچه باغی تبریزی، قم ۱۴۰۴.
- (۲۰) سلیمان بن احمد طبرانی، کتاب الدعاء، چاپ مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت ۱۴۱۳.
- (۲۱) مجد بن حسن طوسی، مصباح المتهدج، بیروت ۱۴۱۱/۱۹۹۱.
- (۲۲) مجد بن مجد غزالی، المقصد الاسنی فی شرح معانی اسماء‌الله الحسنی، چاپ فضله شجاده، بیروت ۱۹۷۱.
- (۲۳) مجد بن عمر فرخ‌رازی، شرح اسماء‌الله الحسنی للارزی، و هو الکتاب المسمى لوامع البينات شرح اسماء‌الله تعالی و الصفات، چاپ طه عبدالرؤف سعد، قاهره ۱۳۹۶/۱۹۷۶، چاپ افست تهران ۱۳۶۴ ش.
- (۲۴) مجد بن احمد قرطبی، الاسنی فی شرح اسماء‌الله الحسنی و صفاته العلی، چاپ شحات احمد طحان، منصوره، مصر ۱۴۲۷/۲۰۰۶.
- (۲۵) عبدالکریم بن هوزان قشیری، التحبیر فی التذکیر، چاپ ابراهیم بسیونی، قاهره ۱۹۶۸.

- (۲۶) سعید بن هبة الله قطب راوندی، سلوة الحزین و تحفة العلیل، الشهیر بالذعوات، چاپ عبدالحمید عوض حلّی، قم ۱۳۸۵ ش.  
 (۲۷) ابراهیم بن علی کفعمی، المقام الاسنی فی تفسیر الاسماء الحسنی، چاپ فارس حسون، قم ۱۴۱۲.  
 (۲۸) کلینی، الکافی؛

## پانویس

۱. ↑ انعام/ سوره ۶، آیه ۱۰۲.
۲. ↑ زمر/ سوره ۲۹، آیه ۶۲.
۳. ↑ حشر/ سوره ۵۹، آیه ۲۴.
۴. ↑ مؤمنون/ سوره ۲۳، آیه ۱۴.
۵. ↑ صافات/ سوره ۳۷، آیه ۱۲۵.
۶. ↑ حجر/ سوره ۱۵، آیه ۸۶.
۷. ↑ یس/ سوره ۳۶، آیه ۸۱.
۸. ↑ ابن بابویه، التوحید، ج ۱، ص ۱۹۵، ۱۹۴ به روایت امام صادق علیه السلام از پدرانش تا امام علی علیه السلام، چاپ هاشم حسینی طهرانی، قم (۱۳۵۷ ش).
۹. ↑ ابن بابویه، التوحید، ج ۱، ص ۲۲۰، ۲۱۹ به روایت ابوهریره، چاپ هاشم حسینی طهرانی، قم (۱۳۵۷ ش).
۱۰. ↑ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۱۲.
۱۱. ↑ ابن بابویه، التوحید، ج ۱، ص ۱۹۱، چاپ هاشم حسینی طهرانی، قم (۱۳۵۷ ش).
۱۲. ↑ مجد بن حسن صقار قمی، بضائر الدرجات فی فضائل آل محمد «ص»، ج ۱، ص ۵۱۴، ۵۱۵، چاپ محسن کوجه باغی تبریزی، قم ۱۴۰۴.
۱۳. ↑ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۱۵۵۱۶.
۱۴. ↑ ۶۸۶۷، مجد بن حسن طوسی، ج ۱، ص ۵۴، ۵۳، مصباح المتعجّد، بیروت ۱۹۹۱/۱۴۱۱.
۱۵. ↑ سعید بن هبة الله قطب راوندی، سلوة الحزین و تحفة العلیل، ج ۱، ص ۱۰۰، ۹۹، الشهیر بالذعوات، چاپ عبدالحمید عوض حلّی، قم ۱۳۸۵ ش.
۱۶. ↑ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۴۶، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۴-۱۴۱۶.
۱۷. ↑ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۱۱۸، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۴-۱۴۱۶.
۱۸. ↑ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۶۹-۱۲۷۰، چاپ مجدفؤاد عبدالباقی، (قاهره ۱۳۷۲/۱۹۵۴)، چاپ افست (بیروت، بیتا).
۱۹. ↑ مجد بن عیسیٰ ترمذی، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۱۹۲-۱۹۳، ج ۵، چاپ عبدالرحمان مجد عثمان، بیروت ۱۴۰۳.
۲۰. ↑ سلیمان بن احمد طبرانی، کتاب الدعاء، ج ۱، ص ۵۱، چاپ مصطفیٰ عبدالقادر عطا، بیروت ۱۴۱۳.
۲۱. ↑ ابونعیم اصفهانی، جزء فی طرق حدیث «ان لله تسعة و تسعين اسماً»، چاپ مشهورین حسن بن سلمان، مدینه (۱۴۱۳).
۲۲. ↑ ابونعیم اصفهانی، جزء فی طرق حدیث «ان لله تسعة و تسعين اسماً»، چاپ مشهورین حسن بن سلمان، مدینه (۱۴۱۳).
۲۳. ↑ ابونعیم اصفهانی، جزء فی طرق حدیث «ان لله تسعة و تسعين اسماً»، چاپ مشهورین حسن بن سلمان، مدینه (۱۴۱۳).
۲۴. ↑ ذیل «خلق»، مجد بن احمد ازهری، ج ۷، ص ۲۶، تهذیب اللغة، ج ۷، چاپ عبدالسلام سرحان، قاهره (۱۳۸۶/۱۹۶۷).
۲۵. ↑ انعام/ سوره ۶، آیه ۱.
۲۶. ↑ نحل/ سوره ۱۶، آیه ۲.
۲۷. ↑ نحل/ سوره ۱۶، آیه ۱۷.
۲۸. ↑ ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث و الاثر، ذیل «خلق»، چاپ محمود مجد طناحی و طاهر احمد زاوی، بیروت ۱۹۶۲/۱۳۸۲، چاپ افست قم ۱۳۶۴ ش.
۲۹. ↑ ابن منظور، ذیل «خلق».
۳۰. ↑ مجد بن مجد زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ذیل «خلق»، چاپ علی شیری، بیروت ۱۹۹۴/۱۴۱۴.
۳۱. ↑ حشر/ سوره ۵۹، آیه ۲۴.
۳۲. ↑ ابراهیم بن سری زجاج، تفسیر اسماء الله الحسنی، ج ۱، ص ۳۷، ۲۵، چاپ احمد یوسف دقاف، (قاهره) ۱۹۷۵/۱۳۹۵.
۳۳. ↑ عنکبوت/ سوره ۲۹، آیه ۱۷.
۳۴. ↑ مجد بن مجد غزالی، المقصد الاسنی فی شرح معانی اسماء الله الحسنی، ج ۱، ص ۸۱، ۷۹، چاپ فضله شحاده، بیروت ۱۹۷۱.
۳۵. ↑ مجد بن عمر فخرزازی، شرح اسماء الله الحسنی للرازی، ج ۱، ص ۲۰۲-۲۰۴، و هو الکتاب المسمى لوامع البينات شرح اسماء الله تعالى و الصفات، چاپ طه عبدالرؤف سعد، قاهره ۱۳۹۶/۱۹۷۶، چاپ افست تهران ۱۳۶۴ ش.
۳۶. ↑ آل عمران/ سوره ۳، آیه ۵۹.
۳۷. ↑ قمر/ سوره ۵۲، آیه ۴۹.
۳۸. ↑ فرقان/ سوره ۲۵، آیه ۲.
۳۹. ↑ مجد بن عمر فخرزازی، شرح اسماء الله الحسنی للرازی، ج ۱، ص ۲۰۵، و هو الکتاب المسمى لوامع البينات شرح اسماء الله تعالى و الصفات، چاپ طه عبدالرؤف سعد، قاهره ۱۳۹۶/۱۹۷۶، چاپ افست تهران ۱۳۶۴ ش.
۴۰. ↑ مجد بن عمر فخرزازی، شرح اسماء الله الحسنی للرازی، ج ۱، ص ۲۰۶-۲۰۹، و هو الکتاب المسمى لوامع البينات شرح اسماء الله تعالى و الصفات، چاپ طه عبدالرؤف سعد، قاهره ۱۳۹۶/۱۹۷۶، چاپ افست تهران ۱۳۶۴ ش.
۴۱. ↑ ابوجانم رازی، کتاب الزبده فی الکلمات الاسلامیة العربیة، ج ۲، ص ۵۶، چاپ حسین بن فیض الله همدانی، قاهره ۱۹۵۷-۱۹۵۸.
۴۲. ↑ ابراهیم بن علی کفعمی، المقام الاسنی فی تفسیر الاسماء الحسنی، ج ۱، ص ۲۵، ۲۴، چاپ فارس حسون، قم ۱۴۱۲.
۴۳. ↑ ابوجانم رازی، کتاب الزبده فی الکلمات الاسلامیة العربیة، ج ۲، ص ۵۲، چاپ حسین بن فیض الله همدانی، قاهره ۱۹۵۷-۱۹۵۸.
۴۴. ↑ حسین بن حسن حلیمی، کتاب المنهاج فی شعب الایمان، ج ۱، ص ۱۹۳، چاپ حلمی مجد فوده، (بیروت) ۱۳۹۹/۱۹۷۹.
۴۵. ↑ احمد بن حسین بیهقی، کتاب الاسماء و الصفات، ج ۱، ص ۵۹، ۵۸، چاپ عمادالدین احمد حیدر، بیروت ۲۰۰۲/۱۴۲۳.
۴۶. ↑ حسین بن حسن حلیمی، کتاب المنهاج فی شعب الایمان، ج ۱، ص ۴۱۰، چاپ حلمی مجد فوده، (بیروت) ۱۳۹۹/۱۹۷۹.
۴۷. ↑ ذیل «خلق»، مجد بن احمد ازهری، ج ۷، ص ۲۶، تهذیب اللغة، چاپ عبدالسلام سرحان، قاهره (۱۳۸۶/۱۹۶۷).
۴۸. ↑ مجد بن احمد قرطبی، الاسنی فی شرح اسماء الله الحسنی و صفاته الغلی، ج ۱، ص ۴۰۸، چاپ شحات احمد طحان، منصوره، مصر ۲۰۰۶/۱۴۲۷.
۴۹. ↑ عبدالکریم بن هوزان قشیری، التحییر فی التذکیر، ج ۱، ص ۲۵، ۲۴، چاپ ابراهیم بسیونی، قاهره ۱۹۶۸.
۵۰. ↑ احمد بن منصور سمعانی، روح الارواح فی شرح اسماء الملک الفتاح، ج ۱، ص ۶۷، چاپ نجیب مایل هروی، تهران ۱۳۶۸ ش.
۵۱. ↑ مجد بن مجد غزالی، المقصد الاسنی فی شرح معانی اسماء الله الحسنی، ج ۱، ص ۸۴، ۸۳، چاپ فضله شحاده، بیروت ۱۹۷۱.
۵۲. ↑ مجد بن عمر فخرزازی، شرح اسماء الله الحسنی للرازی، ج ۱، ص ۲۱۱، و هو الکتاب المسمى لوامع البينات شرح اسماء الله تعالى و الصفات، چاپ طه عبدالرؤف سعد، قاهره ۱۳۹۶/۱۹۷۶، چاپ افست تهران ۱۳۶۴ ش.
۵۳. ↑ محمود سامی، المختصر فی معانی اسماء الله الحسنی، ج ۱، ص ۳۲، (قاهره ۱۳۶۶).

## منبع

دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «خالق»، شماره ۶۷۹۱.

